

الگو شناسی کالبدی و فضایی خانه ایرانی در اقلیم گرم و خشک (مورد مطالعه: خانه عباسیان کاشان)^۱

وحید میرزایی

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

حسن سجاد زاده^۲

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

نسیم خانلو

استادیار، گروه شهرسازی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۵

چکیده

در طول تمام دوران خانه در فرهنگ ایرانیان به خصوص بعد از اسلام دارای اهمیت بسزایی است. خانه از جهت حفظ حریم خانواده به عنوان مکانی مقدس شناخته شده، دسترسی بیرون به درون خانه ایرانی دارای شبکه فضایی نظامی می‌باشد. این شبکه، فضای عمومی و خصوصی خانه را در سه لایه، لایه اول؛ فضای باز، لایه دوم؛ فضای پوشیده و لایه سوم؛ فضای بسته مورد تفکیک قرار داده است. زیرا ورود به خانه دارای درجه اهمیت و سلسله مراتب دسترسی به تمام نقاط خانه ایرانی یک اصل جداناشدنی معماری سکونتگاه‌ها است. هرچند در سال‌های اخیر گسست فضایی عناصر معماری از مقیاس خرد تا کلان، کالبد سکونتگاه شهرهای تاریخی ایران را دچار بی‌هویتی نموده است. از این رو خانه‌های تاریخی ایران گنجینه‌ای از مفاهیم و الگوهای طراحی، همچنین منبع الهام برای معماری خانه‌های معاصر در دسترس است. با بازشناسی و درک صحیح نظام فضایی می‌توان شرایط آسایش بصری، استفاده بهینه از فضا را دستور کار معماری حال حاضر قرارداد. لذا پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توسعه‌ای و از لحاظ روش از نوع تحقیقات تاریخی - توصیفی به طور خاص خانه تاریخی عباسیان کاشان را مورد مطالعه قرار داده است. بررسی انجام شده بیان گر مشخصه‌های عناصر فضایی با هدف ایجاد سلسله مراتب، پیوستگی فضایی که خود انسجام بخش در تمام فضاها در نظام جزء به کل الگو حاکم بر معماری خانه تاریخی است، در متن مقاله الگوهای ارائه شده شناسایی مفصل‌های انسجام بخش، به عنوان فضاها بینابین، عامل پیوستگی ساختار فضایی سکونتگاه‌های ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خانه عباسیان، کالبد، مسکونی، اقلیم گرم و خشک

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "الگو شناسی سازمان فضایی و پیکره بندی خانه ایرانی در اقلیم گرم و خشک مورد مطالعه شهر کاشان" به راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد در حال انجام است.

۲- (نویسنده مسئول) sajadzadeh@basu.ac.ir

Physical and spatial modeling of Iranian house in hot and dry climate (Case study: Kashan Abbasian house)

Vahid Mirzaei

Department of Architecture, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Hasan sajadzadeh*

Associate Professor of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, University of Bu- Ali Sina, Hamadan, Iran

Nasim Khanlu

Department of Urbanism, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Throughout the house, it has been very important in Iranian culture, especially after Islam. The house is known as a sacred place to protect the privacy of the family, external access to the inside of the Iranian house has a military space network. This network makes the public and private space of the house in three layers, the first layer; Outdoor, second layer; Covered space and the third layer; Closed space is separated. Because entering the house has a degree of importance and hierarchy, access to all parts of the Iranian house is an inseparable principle of residential architecture. However, in recent years, the spatial rupture of architectural elements from small to large scale has made the body of the settlement of historical cities in Iran unconscious. Therefore, Iranian historical houses are a treasure trove of design concepts and patterns, as well as a source of inspiration for the architecture of contemporary houses. By recognizing and understanding the space system, the conditions of visual comfort and optimal use of space can be put on the agenda of the current architecture. Therefore, the present study is a type of developmental research and in terms of method is a type of historical-descriptive research, specifically the historical house of the Abbasids of Kashan. The study expresses the characteristics of spatial elements with the aim of creating a hierarchy, a spatial continuity that is self-integrating in all spaces in the component system to the whole pattern governing the architecture of the historic house. As intermediate spaces, the spatial factor of the spatial structure of Iranian settlements has been presented.

Keywords: Abbasid house, body, residential, hot and dry climate

* (Corresponding author) sajadzadeh@basu.ac.ir

مقدمه

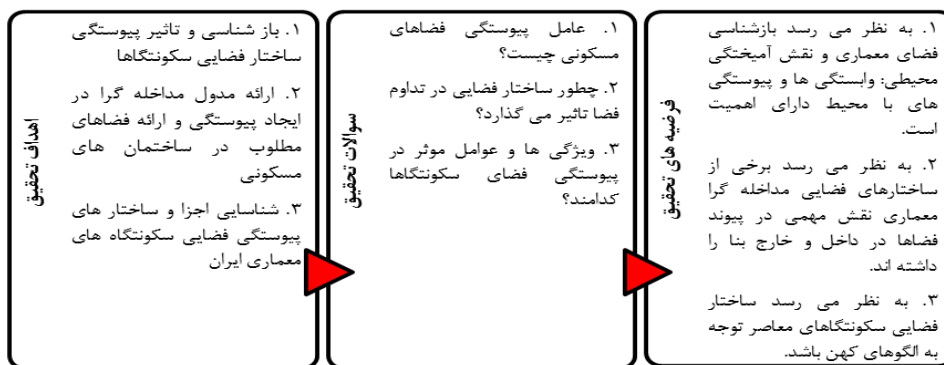
در طول تمام دوران خانه در فرهنگ ایرانیان به خصوص بعد از اسلام دارای اهمیت بسزایی است. خانه از جهت حفظ حریم خانواده به عنوان مکانی مقدس شناخته شد. دسترسی بیرون به درون خانه ایرانی دارای شبکه فضایی نظامندی می‌باشد. این شبکه، فضای عمومی و خصوصی خانه را در سه لایه، لایه اول؛ فضای باز، لایه دوم؛ فضای پوشیده و لایه سوم؛ فضای بسته مورد تفکیک قرار داده است. زیرا ورود به خانه دارای درجه اهمیت و سلسه مراتب دسترسی به تمام نقاط خانه ایرانی یک اصل جدا ناشدنی معماری سکونتگاهها است (Tabarsa & Hoseini, 2019). هر چند در سالهای اخیر گسست فضایی عناصر معماری از مقیاس خرد تا کلان، کالبد سکونتگاه شهرهای تاریخی ایران را دچار بی هویتی نموده است. از این رو خانه‌های تاریخی ایران گنجینه ای از مفاهیم و الگوهای طراحی، همچنین منبع الهام برای معماری خانه‌های معاصر در دسترس است (Ghadami, Divsalar, Ranjbar, & Aghamahali, 2013). بدون گسستگی، انسان همیشه خود را در میان چیزی احساس کرده و حس مکان در او القا می‌شود. در خانه‌های کوچک این مهم به عنوان یک الگو رایج بوده که تمام فضاها سیال و انعطاف پذیر بودند. متأسفانه در شرایط کنونی چهره شهرها به طور کورکورانه و سریع در حال رشد می‌باشد. در این شرایط الگوهای معماری ایران کهن کنار گذاشته شده و ارزش گذشته به زوال می‌رود. آرایش فضای مسکن که به دنبال قواعد هندسی بود (gharaei, Zebardast, & Majedi, 2020)، در حال حاضر متأثر از هندسه قطعه زمین گردیده است و فضاهای چند منظوره و ترکیب شده از فضاهای باز، نیمه باز و بسته، که افزایش تنوع فضایی را باعث می‌شد امروزه به فضاهای زندگی بسته تبدیل شده اند (Mirmoghtadaee, 2009). محدودیت‌های تحمیل شده بر عرض نمای ساختمان‌های معاصر و لزوم ارائه دسترسی خیابان به هر قطعه زمین، باعث تغییر الگو از خانه‌های حیاط دار به ردیف‌های آپارتمان و نیاز به خانه‌های بیشتر و تراکم بالاتر شده است (Shayesteh & Steadman, 2013).

بیان مسأله

در نوع جدید سکونت، حوزه زندگی هر خانوار کوچک‌تر و یک حیاط مشترک (برخلاف حیاط فردی خانه‌های سنتی)، که متعلق به تمام خانواده‌های ساکن آپارتمان است وجود دارد. مقررات جدید ساختمان، که اجازه ساخت برای پوشش ۶۰٪ از زمین و ۴۰٪ برای فضای باز می‌دهد، اثر زیادی بر این سازمان فضایی خانه‌ها و همچنین طراحی شهری داشته است. الگوهایی هم چون هشتی‌ها، حیاط مرکزی، دالان‌ها، ایوان‌ها جای خود را به برج‌های مدرن بی هویت داده اند. لذا در این پژوهش عنوان‌های هشتی، دالان، صفا و ... به عنوان فضاهای مداخله‌گرا که در غالب الگو شناسی خانه‌های کهن ایرانی برای خانه‌های مدرن ایرانی طرح می‌شوند و با روش اسپیس سیتکس که در اینجا به نحو فضا ترجمه شده است به تحلیل حداقل ۱۰ گونه از گونه‌های فضایی خانه‌های اقلیم گرم و خشک پرداخته می‌شود (Dorri & Talischi, 2017). به طور کلی واژه سینکس در ادبیات به معنای نظم کلمات در جمله است (A. A. Heidari, Peyvastehgar, & Kiaee, 2016). فردیناندو سسور روابطی را بین کلمات معرفی می‌کند که آنها را به دو نوع سینکماتیک و اسیشیتو دسته بندی می‌کند (Tabarsa & Hoseini, 2019). اقلیم و فرهنگ از

مهمترین فاکتورها در خلق روابط فضایی خانه‌های سنتی می‌باشد، با توجه به رابطه‌ی دو سویه اقلیم و فرهنگ (بوم فرهنگ)، با روش نحو فضا می‌تواند، به هندسه کالبدی بنا دست یافت و سپس به روش استدلال منطقی به ارتباط بین الگوی فضایی و بوم فرهنگ آن منطقه دست یابیم (Nourtaghani, 2017). از کاربردهای این پژوهش این می‌باشد، که با توجه به تحلیل هندسه کالبدی نحو فضا و ارتباط آن با اقلیم، دستاوردهای اقلیمی مناسبی، جهت کاربرد در طراحی به دست می‌دهد؛ که بر اساس تحلیل‌های انجام شده، مشخص می‌شود (Asl, 2018) که ارتباط تنگاتنگی بین این دو مقوله در خانه‌های بومی ایران مشهود و قابل بازخوانی در معماری معاصر می‌باشد. خانه تجلی از فرهنگ و روابط اجتماعی هر جامعه است. از این جهت خانه‌های ایران در مناطق گرم خشک می‌تواند انعکاسی از فرهنگ هر منطقه خاص خود باشد. با تحلیل پیکره فضایی میشود به الگوهای فضایی هر خانه با توجه به فرهنگ و تعاملات اجتماعی و شرایط اقلیمی پی برد. از مهمترین این شاخصه‌ها عمق، اتصال، پیوستگی و دسترسی فیزیکی و بصری در این خانه‌ها است (Rokni & Ahmadi, 2017). اردلان معمار برجسته ایران می‌گوید: فضا در تمام مخلوقات توانایی‌های فعال و منفعل دارد. در ارتباط با جنبه‌ی فعال فضا مفهوم زمان به صورت چیزی متحرک پدید می‌آید (Tavakolinia & Sarafi, 2018). بدین گونه مکان زمان و فوروم، فضا است، که از طریق حرکت به طور هم زمان جنبه‌های فعال و منفعل خود را بروز می‌دهد. این یکپارچگی در معماری و محیط شهری مشاهده می‌شود و سیستم‌های حرکتی هم زمانی مانند بازار را ارائه می‌دهد که جریان پیوسته‌ای از تجربیات فضایی هم‌آهنگ مبتنی بر اعداد و هندسه خلق می‌کند (Sabri, 2012). با اهمیتی که خانه در سکون یافتن، آسودن، رجوع به خود و رشد و حرکت آدمی دارد، از یک سو، و آسفتگی و تغییرات گسترده و بی‌هویت فضاهاى امروزی زندگی، از سوی دیگر، باید به تأمل و تعمقی در این باره پردازیم. امروزه کاربری مسکن به لحاظ کمی، بیشترین درصد بناهای شهری، از جمله بافت‌های سنتی - تاریخی را به خود اختصاص داده است (Setayeshgar & Moztarzadeh, 2020) و از نظر کیفی نیز، نوع و چگونگی طراحی معماری مسکن، بر شیوه و کیفیت زندگی اقشار مختلف اجتماعی، تأثیری اساسی و تعیین کننده دارد (Akrami & Zare, 2013). پژوهش‌های مختلفی پیرامون بررسی نقش فرهنگ بر شکل خانه به انجام رسیده است که از جمله مهم ترین آنها می‌توان به آثار ایموس راپاپورت اشاره نمود. در این آثار و نیز تحقیقات مشابه، خانه به عنوان تجلی گاه فرهنگ ساکنان آن معرفی شده است (A. Heidari & Gasemian, 2017). تحلیل شکلی بنا و فهم روابط بین فضاهاى موجود در هر پیکره بندی فضایی، عملی است که در مباحث معماری تحت عنوان نحو فضا از آن یاد می‌شود (Aliabadi, 2012). نحو فضا تلاشی است در رابطه با این موضوع که وضعیت پیکره بندی فضایی، چگونه یک معنی اجتماعی یا فرهنگی را بیان می‌کند. (Nazarpoor, Vaghar, & Heidari, 2018) هدف نحو فضا شرح دادن این موضوع است که چگونه مکان‌های ساخته شده، مانند ساختمان‌ها و شبکه خیابان‌های شهری، شکل گرفته اند (Karimzadeh & Lashkari, 2020)، به ویژه این که چگونه مفصل بندی و پیوستگی پیدا کرده اند (Montello, 2007). از این رو، سازماندهی فضا با فرآیندی منطقی در ارتباط است، چرا که حداقل بایستی اهداف عملکردی را برطرف سازد (Dursun, 2007).

برای نیل به هدف، خانه‌های اقلیم گرم و خشک بطور خاص شهرهای تهران، کاشان، قم، یزد (همچون خانه عباسیان، بروجردیها، طباطبایی‌ها، عامری‌ها، شریفیان، منوچهری، یزدان پناه قم و دکتر چمران...) که خود نمونه کاملی از معماری بومی ایران است را بررسی کرده و با استفاده از نرم افزار space syntax پلان گامای آن را ترسیم نموده و تحلیل‌ها را بر اساس نقشه گامای بدست آمده انجام خواهد شود. نتایج آن بیان گر مشخصه‌های عناصر فضایی و فرهنگ با هدف ایجاد سلسله مراتب، هم پیوندی فضایی که خود انسجام بخش در تمام فضاها در نظام جزء به کل الگو حاکم بر معماری خانه تاریخی است حاصل می‌شود. تاریخ معماری به زمانی بر می‌گردد که آدمی برای زندگی مجبور به ساخت سرپناه برای خویش بود. معماری از دوره‌های پیش از تاریخ اساسی ترین نیازهای بشری را همچون ساخت سرپناه و خانه برآورده ساخته است (Ghorbani & Bacvar, 2020). در عین حال معماری به دلیل قابلیت خلق طرح‌هایی در ابعاد بزرگ و با شکوه امکان یافته تا به عنوان واسط خود بزرگنمایی و نمایشی در خدمت افراد، گروه‌ها و یا کل جامعه قرار بگیرد. بافت‌های سنتی - تاریخی واقعیت انکار ناپذیر شهرهایی به شمار می‌روند که واجد پیشینه تاریخی هستند. عضو و عرصه ای از شهر که در زمانی نه چندان دور به حیات خود ادامه می‌دادند و پذیرای رفت و آمدها و دادوستدهای مادی و معنوی مردمان آن روزگار بودند. به عبارت دیگر «بافت‌های کهن شهری مکانی خلاق و زنده برای درک موقعیت انسان در جهان و پیوند او با گذشته اند، مکانی برای دگرگونی محیط و تغییر نگاه به زندگی حال و آینده (Hayeri, 2008). خانه بعنوان یکی از مباحث مهم معماری در برگرنده عقاید، فرهنگ، آداب و رسوم ساکنین شهرهای تاریخی است. درونگرایی با توجه به موقعیت جغرافیایی، هارمونی ویژه ای برای ساختار فضا ایجاد می‌کند. ساختار انعطاف پذیر موجبات آسایش، تنوع، حفظ حریم بصری و فیزیکی، همچنین سیال بودن را به زیبایی نشان می‌دهد. این نظام فضائی بدست نمی‌آید جز با قرارگیری و سلسله مراتب فضاها، عمومی، نیمه عمومی و خصوصی که ارائه کننده پیوستگی ساختار داخلی خانه‌های درونگرا است. در این زمینه نوشتار حاضر به بررسی و ارائه الگوهای انسجام بخش سکونتگاه‌ها بطور خاص خانه عباسیان کاشان می‌پردازد (Memarian, Soltan Ahmadi, & Azanoosh, 2018). این پژوهش در مرحله اول شناخت ساختار فضایی خانه‌های درونگرا به عنوان جامعه آماری با تاکید بر اصل سلسله مراتب، فضاها، مداخل و مفصل‌های پیوستگی بناهای موجود را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهد. سپس با توجه به گستردگی خانه‌های تاریخی ایران خانه عباسیان کاشان با نگاه تحلیلی جزء به کل انتخاب و ارائه می‌گردد. اهداف، فرضیات و سوالات تحقیق در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱- اهداف، سوالات و فرضیه تحقیق Source: Authors

پیکره بندی فضا را می‌توان آغازگر تحلیل به روش نحو فضا بر روی پلان ساختمان یا پلان دانست؛ که غالباً اعمال می‌شود. اما نقطه آغاز تجزیه و تحلیل‌ها، یک شبکه گراف (توپولوژی) است که نمایش دهنده انتزاعی از این پیکره بندی فضایی است. نکته نهفته در این الگوی انتزاعی این است که روابط اجتماعی موجود در فضا، بوسیله این شبکه توپولوژیک، این روابط اجتماعی بهتر درک می‌شود. علاوه بر آن، شبکه توپولوژی، زمینه ای برای محاسبات فراتر به وجود می‌آورد که پیچیدگی روابط اجتماعی را نمایش داده و از نسبت میان آنها رمزگشایی می‌کند. این شبکه گراف، پیچیدگی‌های پلان معماری را که در روابط آن با فضاهای مجاورش تاثیر مستقیمی ندارد، از محاسبات خارج می‌کند و خالص و بی‌پیرایه به نسبت بین اجزای طرح می‌اندیشد. تمام موارد بیان شده در ارتباط با پیکره بندی فضایی خانه و تحلیل بوم فرهنگی فضاهای آن و تعیین میزان آسایش در هر فضا کارآمد بوده و در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. ادبیات معماری و نوشته‌های مربوط به آن برای کارآمدی نیاز به کدگذاری و انتظام دارند این مهم مواردی را شامل می‌شود که ویژگی اصلی آن‌ها ایجاد نظم منطقی در مطالب پراکنده قبلی است؛ ولی با توجه به اینکه این موارد به شکلی تئوری و بدون کدگذاری موجود هستند، کارآمدی کمتری دارند. سامانه‌های ریخت شناسی معماری (دستور زبان شکل) که از سامانه‌های صوری - ریاضی هستند، به میزان زیادی به گزاره‌های قاعده مند متکی اند و به آسانی با رایانه سازگار می‌شوند و حاصل آن نرم افزارهایی است که براساس منطق نحوی، یا تولید طرح واره‌های جدید تصویری که بر منطقی صوری - نحوی بنیان نهاده شده اند، طرح‌های موجود را تجزیه و تحلیل می‌کنند. در این پژوهش از نرم افزار *space syntax* جهت مدلسازی استفاده شده است؛ و به روش استدلال منطقی با رویکرد اسنادی - تاریخی، میدانی و بهره‌گیری از متون نوشتاری فارسی و لاتین شامل لغت نامه‌ها، کتب، مجلات تخصصی، رساله‌ها به تحلیل ۲۰ خانه در راستای رسیدن به یک منطق اقلیمی - کالبدی، از تکنیک‌های تحلیلی و نقشه‌های خطی نحو فضا و امکانات و روش‌های تحلیلی آن استفاده نموده و در انتها به ارتباط بین، الگوی فضایی و بوم فرهنگ آن منطقه دست می‌یابیم؛ که این الگو علاوه بر شناخت نحوه طراحی اقلیمی توسط معماران بومی می‌تواند به عنوان الگوی عملی در راستای طراحی‌های جدید مورد استفاده واقع گردد.

گردآوری اطلاعات از طریق مشاهد مستقیم، میدانی و کتابخانه ای صورت می‌گیرد. و به کمک برداشت و ترسیم خانه‌های تاریخی فاکتورها کالبدی موثر بر الگو شناسی بافت و ابنیه سنتی مسکونی شناسایی می‌شود. تحلیل داده‌ها و یافته‌های ناشی از مطالعات، از روش تحلیلی - تطبیقی و منطقی بهره گرفته خواهد شد.

ادبیات تحقیق

در رابطه با نحو فضا و ارتباط آن با مسائل مختلف معماری مطالعات خوب و چشمگیری صورت گرفته است که از نمونه‌های خارجی آن، می‌توان با این پیشینه نام برد. در ابتدا نحو فضا با نظریه بیل هیلیر و جولیا هانسون در ۱۹۸۴ با کتاب *منطق اجتماعی فضا* پا به عرصه دانشکده‌های معماری گذاشت. محور این بحث تحلیل چگونگی پیوند فضا و چگونگی عبور از یک فضا به فضای دیگر است، هیلیر در اثنا کار خود از نماد سازی ریاضی استفاده می‌کند، که مزیت استفاده از تبدیل و تغییر منطقی را به همراه دارد، در واقع هیلیر و پیروان او سنجش‌هایی را برای ثبت روابط میان فضاهای ساختمان‌ها یا محوطه‌های شهری ترویج کرده اند (Abbaszadeghan, 2002). سپس لیندا گروت و دیوید وانگ نیز، کتابی با عنوان روش‌های تحقیق معماری عرضه نموده اند که دستور زبان فضا یا نحو در این کتاب، نظریه منطق اجتماعی فضا به عنوان یکی از سامانه‌های اولیه پژوهش منطقی معماری قلمداد شده که مولد و

پشتیبان تحقیقات ثانویه است (Golshan, 2015). نویسنده، ویژگی‌های اصلی این سامانه‌های استدلال منطقی را در چهار مورد زیر خلاصه می‌نماید. نخست کاربرد سامان یافته و گسترده است. به تعبیر ساده تر، این سامانه‌ها روش‌هایی صریح و روشن برای طیف گسترده‌ای از مسایل را طرح و بیان می‌نمایند. نتیجه این صراحت، روش‌ها، ابزار، نتایجی دقیق، متقن و محکم است که در سایر روش‌های پژوهش وجود خارجی ندارد. دومین ویژگی از دیدگاه گروت، نوآوری الگویی است. این سامانه‌ها در بیرون کشیدن الگوهای درونی و پنهان پدیده‌ها، از خود توانایی قابل توجهی به نمایش می‌گذارند. معمولاً ظاهر تجربی پدیده‌ها به روشنی و وضوح گویای این الگوهای درونی نیستند. لذا نتایج این پژوهش‌ها غالباً موجب یکپارچگی ظاهری موضوعات متفرق را پدید می‌آورد (Behpur, Shoaee, & Nabimeybodi, 2019). سومین ویژگی این گونه سامانه‌ها، استدلال بنیادی است. به تعبیر بهتر، تکیه بر اصول بنیانی که اساس و خمیرمایه نظریه بر پایه آن شکل گرفته و توسعه یافته است. آزمون پذیری، آخرین ویژگی است که گروت و همکارش در ویژگی‌های سامانه پژوهش استدلال منطقی ذکر می‌کنند. به دلیل کمی بودن نتایج مستخرج از این پژوهش‌ها، غالباً آزمون پذیری قابل قبولی را از خود به نمایش می‌گذارند. در کتاب زبان فضا که یکی از کتاب‌های معتبر در زمینه روانشناسی محیط، علوم رفتاری و ارتباطات غیرکلامی به ثبت فضا و راه‌های دریافت و ارزیابی مکان پرداخته است و تدابیری چون تمایز معنایی و اندازه‌گیری هندسی در تدبیر نحو یا چیدمان فضا، با مقایسه و بررسی مزایا و کاستی‌های هر یک را مورد بحث قرار داده است. طبق آنچه که لاوسون در زبان فضا آورده است حداقل دو دلیل برای علاقمندی به استفاده از سنجش‌های ریاضیاتی کالبد فضا وجود دارد ۱- اینکه ویژگی‌های خاص کالبدی شناخته شده بیشترین تاثیر را بر روابط اجتماعی و فعالیت انسان برای آفرینش قرارگاه‌های رفتار دارند در نتیجه طراحان باید تلاش کنند، روابط فضایی مناسب را با هندسه مبتنی بر اصول انتزاعی تعریف شده، ایجاد کنند. مورد ۲- که مهم تر نیز هست اینکه جوامع، در روند شکل‌گیری معماری بومی، شکل‌های فضایی را که بازتاب ساختارهای اجتماعی آنهاست متحول کرده اند، با مطالعه این ساختارها باید بتوانیم آن جوامع را بهتر درک کنیم، این تحولات در ساختارهای بوم فرهنگ نیز اتفاق می‌افتد که قابل بررسی و پیگیری می‌باشد. محققین و دانشگاهیان ایران زمین نیز برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ به طور مبسوط و روشمند با مبانی نظری آن آشنا گشته اند (Abbaszadeghan, 2002). پس از آن با استفاده از این نگرش، پژوهش‌هایی نیز در زمینه بافت شهری در ایران انجام شده است (Balilan Asl, 2016). سلیمانی و مندگاری (۱۳۹۵)، در مقاله زیبایی‌شناسی خانه سنتی ایرانی، شناسایی عناصر زیبایی بخش خانه‌های سنتی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زیبایی طبیعت، نمود وحدت، تأکید بر جلوه فضا در دید ناظر و توجه به معانی نمادین، چهار عامل اصلی زیبایی بخش این خانه‌ها هستند (Soleimani & Mondegar, 2017). کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله اصول طراحی فضای مسکونی، با رویکرد ارتقاء خلاقیت، به دنبال دستیابی به اصول طراحی فضای مسکونی هستند که باعث افزایش خلاقیت کودکان شود (Azeri, Hosseini, Sedghpour, & Hosseini, 2016).

تعریف واژه خانه

انسان وقتی از غار بیرون آمد نیاز به سرپناهی داشت و بر این اساس طبیعی است که قدیمی‌ترین مورد معماری، ساختمان خانه باشد. این امر از عصر حجر شروع شده و عناصر دیگر معماری از بعد زمانی بر آن است. واژه خانه که امروز مصطلح است در گذشته به اتاق اطلاق می‌شده است، اتاق خصوصی را (وستاخ) یا گستاخ یا وثاق می‌نامیده‌اند، از واژه سرا بجای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌شده است. در جنوب ایران اصطلاح خانه سرا (به معنی سرایی با اتاق است) مرسوم بوده است (Memarian, Madahi, Aeini, & Abdolahi, 2018). واژه خانه در فارسی باستان آهنه (ahana) به معنی محل و جا دانسته شده و آن را مشتق از ریشه (han) دانسته‌اند که در پهلوی به معنی ضمیر اشاره دور، و معادل «آن» در فارسی نو است که در ترکیب با مان به شکل‌هان مان (haniman) به مفهوم خانه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. واژه‌های خان (xan) و خانک / خانگ (xanag / xanak) و خانکیک (xanakik) در پهلوی به معنی خانه و سرا بود. در دوره اسلامی نیز از واژه خان به معنی خانه استفاده می‌شده است (Haghir & Salavati, 2020).

از آنجا که هنر ایرانی، هنری قدسی و ماوراء آسایش و لذت مادی است؛ سنت ایرانی در معماری مسکن، خلق معناست و آسایش و راحتی در اولویت‌های پایین‌تری نسبت به معنا و خلوص هندسی قرار می‌گیرد (Aghalatif, 2019). تجلی معنا، در پوشش و سقف است مکانی که واقعیت و مجاز در هم می‌آمیزند، سقف‌هایی که در نهایت عظمت و زیبایی ساخته شده و مفهوم سبکی را القا می‌نمایند و سیستم‌های پیچیده به صورت کاربندی و مقرنس حکایت از دقت و مهارتی فوق‌العاده در معماری ایران دارد (Asefi & Imani, 2012). پلان نیز غالباً به صورت متقارن طراحی می‌شده است. چرا که هندسه متقارن، طراحی را آسان‌تر می‌کند و معیار زیبا شناسانه‌ای نیز در خود دارد. پلان متقارن آشناست و سؤالی بر نمی‌انگیزد (Sheykhbahaiee, 2019).

اصل پیوستگی فضایی

سازمان کالبدی شهرهای قدیمی ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه، یعنی میدان، خیابان اصلی، مرکز شهر در مراکز محلات استوار است. پیوستگی فضایی گرچه در بافت قدیم بسیاری از شهرهای ایران وجود دارد، اما این پیوستگی در بافت قدیم شهرهای کویری به خوبی مشهود است (Einifar, Zabihi, & Sasani, 2015). معابر اصلی به صورت شطرنجی نامنظم پیوند فضایی میان محلات، مراکز آنها و مجموعه مرکز شهر را برقرار می‌کرده است. همچنین تقسیم بندی فضاها به دو دسته ی کارکردی و فاصله‌گذار نمونه دیگری از این موارد می باشد که دسته اول شامل فضاها ی اصلی یک ساختمان و دسته دوم فضاها ی انتقالی یا مرتبط کننده هستند. این فضاها اشاره به محدوده میانی و بینابین دارند (Golestani, Hojat, & Saedvandi, 2018)، لذا در انگاره ما از حرکت و گردونه فضایی به عنوان فضایی زودگذر شرکت می‌جویند. همچنین تفسیر کاملتری از دسته بندی کلی فضاها در معماری یافت می‌شود که آنرا در سه قالب زیر عنوان می‌دارد (Norouzi, 2013):

الف- فضای مکان: فضای اصلی که احساس معینی از موقعیت مکانی یا محل قرارگیری را مجسم می‌کند.

ب- فضای مسیر: فضاهای عبوری اصلی که مشخص کننده سمت و سوی مسیر هستند، نمونه این گونه از فضاها عبارتند از کریدور و راهرو.

ج- فضای انتقالی: فضاهای فرعی که در فرآیند تغییر از یک وضعیت به وضعیتی دیگر نقش دارند. فضای مکان، مسیر و انتقالی به عنوان نظام فضایی سکونتگاه‌ها شناخته می‌شود. که خود دارای زیر مجموعه‌های فراوانی می‌باشد. در واقع عامل پیوستگی به عنوان فضای متداخل معرفی می‌گردد. (جدول ۱)

جدول ۱- فضاهای متداخل

فضا	فضای انتقالی		فضای متداخل					فضای خشی	تور	حیاط	
	سر در	دالان	هشتی	ورودی میهمان	شاه نشین	اتاق	آشپزخانه				انبار
فضا	سر در	دالان	هشتی	ورودی میهمان	شاه نشین	اتاق	آشپزخانه	انبار	دستشویی	تور	حیاط
سر در	-	هشتی	-	هشتی	دالان	حیاط	حیاط	حیاط	دالان	حیاط	دالان
حیاط	حیاط	-	دالان	-	اتاق	-	-	-	-	-	-
دالان	دالان	-	-	اتاق	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	هشتی
هشتی	-	هشتی	-	دالان	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	دالان
ورودی میهمان	هشتی	هشتی	-	-	-	-	-	-	دالان	-	دالان
شاه نشین	دالان	حیاط	دالان	-	-	اتاق	اتاق	اتاق	اتاق	اتاق	حیاط
اتاق	هشتی	حیاط	دالان	-	-	-	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط
آشپزخانه	هشتی	حیاط	دالان	-	اتاق	حیاط	-	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط
انبار	دالان	حیاط	دالان	-	اتاق	حیاط	حیاط	-	حیاط	حیاط	حیاط
دستشویی	دالان	حیاط	دالان	-	اتاق	حیاط	حیاط	حیاط	-	حیاط	حیاط
تور	دالان	حیاط	دالان	-	اتاق	حیاط	حیاط	حیاط	حیاط	-	حیاط

Source: Authors

عوامل موثر در تغییر، تنوع و وحدت فضاهای متوالی:

تغییرات زیر می‌تواند در طول یک محور به عنوان عنصر درجه اول و به مثابه عامل مشترک فضای ادراکی انسان ایجاد گردند. (جدول ۲)

جدول ۲- عوامل موثر در تغییر، تنوع و وحدت فضاهای متوالی

عوامل موثر در تغییر، تنوع و وحدت فضاهای متوالی	توضیحات
متوالی	متوالی
محصوریت	محصوریت و تغییرات آن به عنوان عامل موثر در ساخت و تنوع فضاهای متوالی محسوب می‌گردد. فضایی که از اطراف توسط عناصر کالبدی محدود شده باشد را محصور نامند.
نظم	انتظام فضایی یک فضا تاثیر مهمی در احساس محصوریت آن دارد. نظم هندسی و سادگی فرم، تاثیر مثبتی در ادراک سریع آن خواهد داشت.
تناسبات	رابطه بین طول، عرض و ارتفاع یک فضای محصور، اهمیت قابل توجهی در درجه محصوریت آن خواهد داشت که در این حالت نسبت به عرض به ارتفاع جدارها اهمیت بیشتری دارند.
یکپارچگی	از این تکنیک می‌توان در ایجاد تنوع و از بین بردن یکنواختی در معماری شهری در مقیاس‌های مختلف مثل واحدهای معماری، فضای میدان‌ها و مسیرهای متوالی شهری و غیره بهره جست.
تنگ و گشاد نمودن فضا	اگر یک عرض ثابت را در طول خیابان فرض کنیم می‌توان در بعضی از قسمت‌ها آن را تنگ‌تر یا گشادتر نمود. در حقیقت خط ساختمان‌های محصور کننده می‌تواند متنوع در نظر گرفته شود.
سرپوشیده نمودن یا مسقف کردن بعضی از قسمت‌های مسیر	این حالت می‌تواند بخصوص در مسیرهای کم عرض و یا راههای پیاده در مجموعه‌های مسکونی اجرا گردد. در شهرهای سنتی ایران مرکزی، این تکنیک به صورت متنوعی اجرا شده است.
ایجاد سایه و روشن	یا فضاهای تاریک و روشن در طول مسیر که این عمل با مسقف نمودن مسیر در بعضی از قسمت‌ها، سایه و روشن توسط ایجاد دیوارها و تغییر جهت کوچه‌ها ایجاد می‌شود. البته با نور پردازی درست (یا تنظیم روشنایی) نیز می‌توان تنوع مطلوبی را در طول مسیرها ایجاد نمود.
تاکید کالبدی	می‌توان ساختمان‌ها یا عناصر مشخص و متفاوتی را با عقب نشینی ساختمان یا ایجاد فضای باز، متناسب با ارتفاع و اندازه آن در لبه خیابان ایجاد نمود.
باز کردن بعضی از قسمتهای جداره خیابان به طرف منظره یا عنصر با اهمیت	مثلاً دید به طرف یک پارک عمومی (مثال خیابان ولیعصر، پارک ملت) یا به سوی دریاچه یا کوه یا هر عنصر با ارزش طبیعی، تاریخی و غیره می‌تواند عامل تنوع و مطلوبیت گردد.
تنظیم کاربری‌ها و فعالیت‌ها	(شلوغی - خلوتی یا عملکردهای خاص) را می‌توان از عوامل تنوع محسوب نمود. تکنیک‌های پیشنهادی فوق‌الذکر روش‌های ایجاد تنوع در طول مسیرها است.

Source: Authors

سلسله مراتب

اصل سلسله مراتب دلالت بر این امر دارد که در غالب و شاید هم در همه ترکیبات معماری، اختلافات حقیقی بین فرم‌ها و فضاها وجود دارد. این اختلافات انعکاس دهنده میزان اهمیت این فرم‌ها و فضاها و همچنین نقشهای عملکردی، متعارف و نمادینی است که آنها در سازمان دهی ایفا می‌کنند (فرانسیس دی، ۱۳۹۰). هر گاه چند عنصر در کنار هم قرار گیرند: نظمی در روابط بین آنها بوجود می‌آید. ممکن است که این عناصر همگی هم ارزش بوده و یا اینکه تابع یک سلسله مراتب باشند. سلسله مراتب در معماری از دیدگاههایی مختلف قابل بررسی است: بطور کلی می‌توان سلسله مراتب بصری و سلسله مراتب معنوی را از یکدیگر تشخیص داد. عوامل بصری عبارتند از اندازه، فرم و موقعیت. اختلاف ارزش فضایی-معیاریهای فرهنگی یا حتی شخصی دارای ارزش خاصی باشد (Imani & Saboori, 2014).



شکل ۲- سلسله مراتب در معماری از دیدگاه‌های مختلف

Source: Authors

سلسله مراتب یکی از اصول اساسی حاکم بر مجموعه‌ها و اجزاء و پدیده‌هایی است که یا به طور طبیعی در جهان هستی به عنوان یک کل وجود دارند و یا توسط انسان طراحی و ایجاد می‌شوند. اصل سلسله مراتب نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل یک مجموعه ایفا نموده و به آن‌ها هویت می‌بخشد. به بیان دیگر این اصل یکی از معیارهایی است که می‌تواند در تعریف نظم حاکم بر مجموعه‌ها و ارتباط بین اجزای آن‌ها و همچنین ارتباط هر یک از معیارهایی است که می‌تواند در تعریف مختصات هر جزء ایفای نقشی بنیادین را عهده دار باشد. بنابراین ویژگی‌های سلسله مراتب حاکم بر مجموعه‌ها ابزار مهمی است که در مطالعاتی که در تعریف و تعیین جایگاه و ارزش اجزا و کل مجموعه، به منظور بیان ویژگی‌ها و عملکرد هر یک از آن‌ها، برای تعیین مختصات ارتباط اجزاء و کل و عملکرد و نقش هریک از آن‌ها مدد می‌رساند (Tabibian, Charbgo, & Abdolahimehr, 2012).

تأثیر انسجام کل گرا در پیوستگی

محور بحث کل‌گرایان این است که شیوه تفکر انسان در باره کلیت، یعنی جهان بینی او، برای نظم کلی ذهن او اساسی است. اگر او کلیت را متشکل از پاره‌ای مستقل بداند، ذهن او نیز همان گونه عمل خواهد کرد، ولی اگر او هر چیز را در یک کل فراگیر، جدایی ناپذیر در عالم، پیوسته و بدون حد فاصل به طور منسجم و هماهنگ فرض کند، پس ذهن او در همین راستا حرکت می‌کند و عملی منسجم نیز از آن جاری می‌شود. در این اندیشه پیوستگی عناصر شهر بدون حد فاصل عامل وحدت و انسجام است. (دیاگرام ۱)

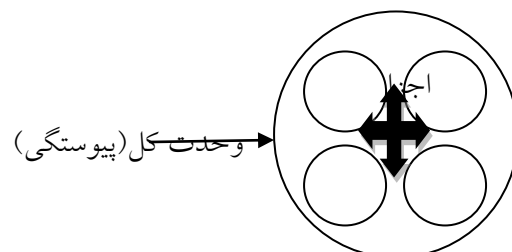


شکل ۳- پیوستگی عناصر شهر بدون حد فاصل

Source: Authors

تأثیر انسجام سازمند گرا در ساختار فضایی سکونتگاهی

انسجام سازمند گرا بین فلسفه هنر و زیبایی شناسی از یک طرف و قواعد عملکردی از طرف دیگر قرار دارد. در انسجام سازمند گرا شهر بخشی از نظم وسیع‌تر نظام آفرینش یا طبیعت قلمداد می‌شود که همانند آن واجد خصوصیات رشد اجزاء اما باحفظ وحدت کل است. (دیاگرام ۲)



شکل ۴- انسجام سازمند گرا - وحدت عامل سازمندگرایی

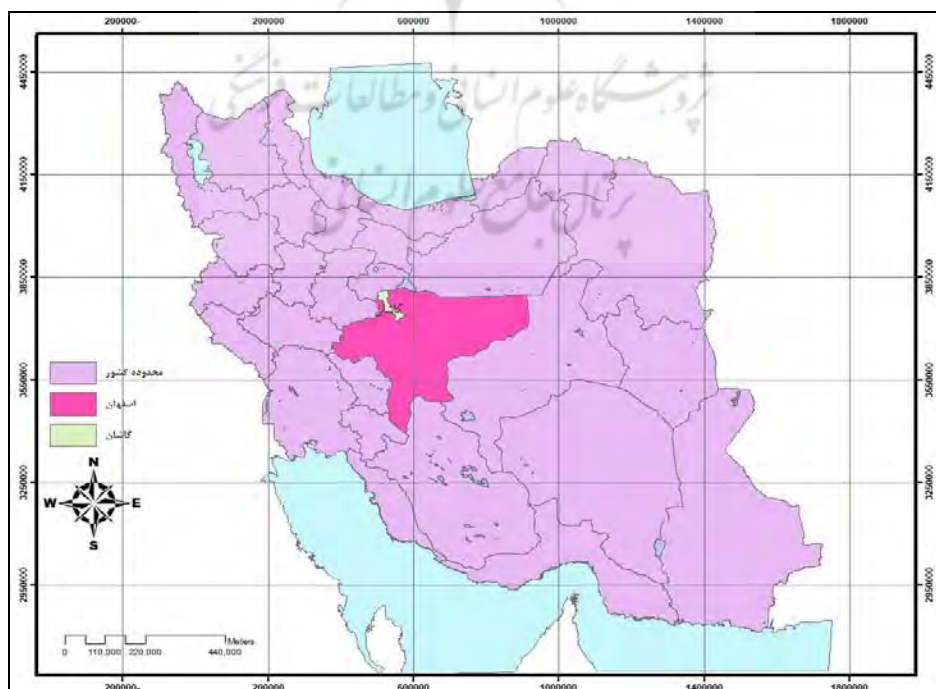
Source: Authors

برای ایجاد شکل شهر منسجم، آگاهی از: تجربیات شخصی، تاثیرات حسی، قضاوت زیبایی شناختی و چهارچوب فرهنگی مردم اهمیت دارد.

محدوده مورد مطالعه

خانه عباسیان

مجموعه تاریخی عباسیان در محله سلطان امیر احمد کاشان واقع شده است. این مجموعه در حوالی سالهای ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۸ هجری قمری و به همت حاج محمد ابراهیم تاجر کاشی (از تجار معروف و بنام چینی و بلور جات در کاشان) شروع به ساخت گردید. معمار این مجموعه فردی ناشناس است که این بنا را در مدت ۲۰ سال ساخته است. وسعت مجموعه حدود ۵ هزار متر مربع و زیر بنای آن در حدود ۷ هزار متر مربع می باشد. همچنین دارای پنج طبقه می باشد. مجموعه تاریخی عباسیان دارای پنج حیاط است که هر یک از حیاطها صرفنظر از اشتراکات دارای معماری منحصر بفرد می باشند. این تمایز در معماری به حدی است که پس از مرگ صاحب اولیه بنا، مجموعه به پنج قسمت تفکیک شده و به مرور زمان در اختیار افراد مختلف قرار می گیرد و صاحبان بعدی از یکتا بودن مجموعه در گذشته اظهار بی اطلاعی و حتی تعجب می کنند. این مجموعه در سال ۱۳۷۴ توسط هیأت امنای احیاء و مرمت بافت تاریخی کاشان و با مساعدت مالی وزارت صنایع و معادن خریداری و مرمت گردید. و در سال ۱۳۷۷ به شماره ۲۰۲۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. (جدول ۳) وجه تسمیه بنا نیز در نوع خود شنیدنی می باشد. همانطور که اشاره شد پس از مرگ صاحب اولیه بنا، مجموعه به پنج قسمت تفکیک و به وراثت واگذار گردید. وراثت نیز پس از مدتی سهم خود را به افراد مختلف فروختند. در حدود صد سال پیش یکی از حیاطهای مجموعه (حیاط بیرونی) به یکی از تجار فرش کاشان به اسم آقای عباسیان به مبلغ هزار تومان فروخته شد. خبر فروخته شدن خانه ای با این قیمت در زمان خود در کل شهر پیچیده و تا در مدت ها نقل محافل گردید. از آن پس کل این مجموعه به خانه عباسیان معروف و مشهور شد.



شکل ۵- محدوده جغرافیایی Source: Authors

جدول ۳- ارائه مستندات معماری خانه عباسیان

مستندات خانه عباسیان	ردیف
	موقعیت جغرافیایی ایران، اصفهان، کاشان
	تصاویر
	پلان
	مقطع
	تصویر سه بعدی

Source: Authors

یافته‌های تحقیق

با توجه به مطالعات بالا خانه ایرانی به عنوان نمونه شاخص از سلسله مراتب فضایی و دسترسی، با قرارگیری جزء فضاها، نظام کل گرا را به خوبی شکل می‌دهد (جدول ۴). خانه عباسیان نمونه درخشان ظرافت و کامل نظام فضایی سکونتگاهی است. تنوع و تعدد فضاهای این خانه و خانه‌های دیگر نظام فضایی به هم پیوسته را به وجود می‌آورد. فضاهای معمولاً بر حسب ویژگی فضایی، مکانی، قلمرویی عمومی، خصوصی و آیینی به فضاهای باز، پوشیده و بسته نام گرفته اند (جدول ۴).

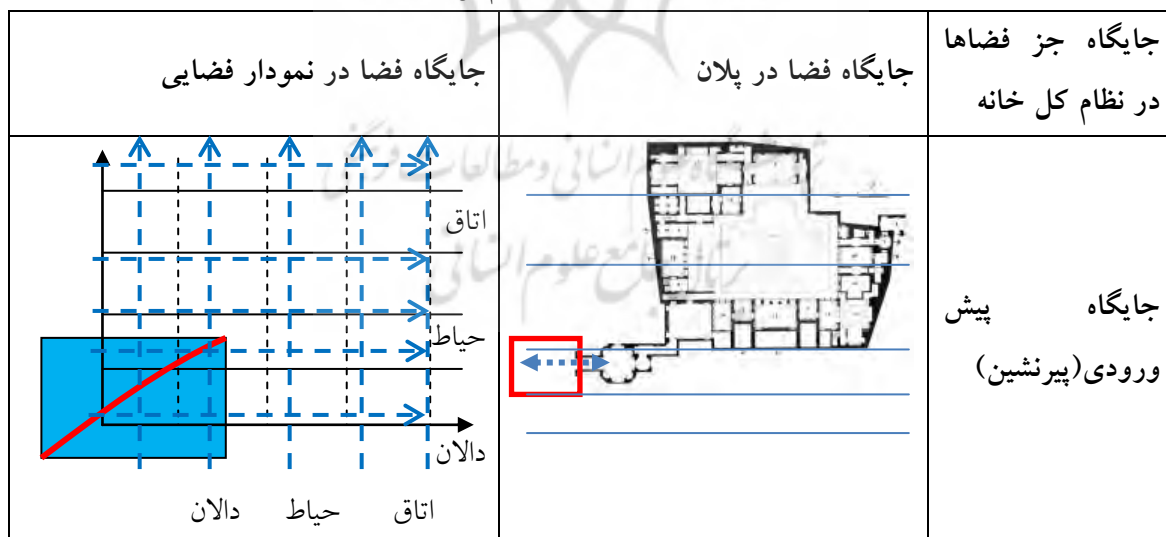
جدول ۴- معرفی فضاهای باز، پوشیده، بسته

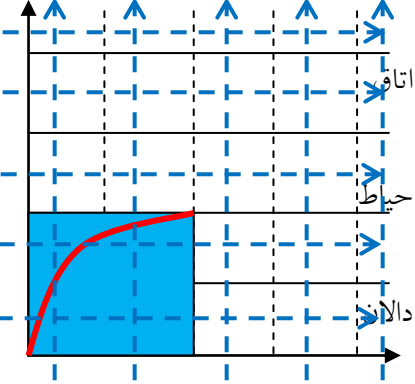
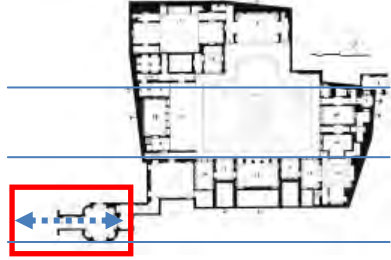
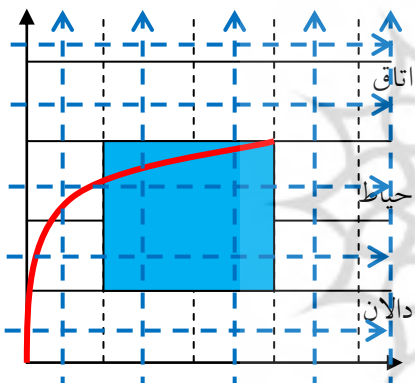

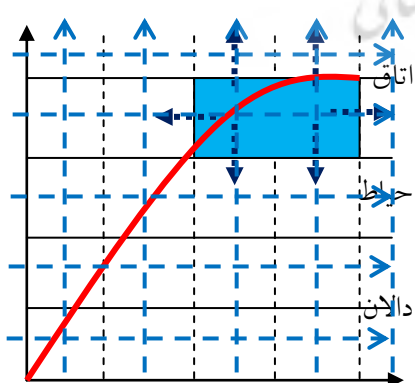
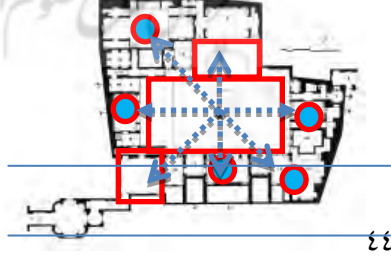
فضای باز	صفت	مهنایی	حیاط	شارمی
	بام	----	----	----
فضای پوشیده	کریاس	دستگاه سرپوشیده پده	ایوان	ورودی
	هشتی	حوضخانه	ایوانچه	سردر
فضای بسته	اتاق	دو دری	پنج دری	پس اتاق
	گوشواره	شاه نشین	سه دری	زیرزمین

Source: Authors

با توجه به ساختار فضایی و چگونگی قرارگیری جزء فضاها همیشه فضای سومی به عنوان عامل پیوستگی نقش مداخله گر را دارد. به طور مثال برای رسیدن به اتاق می‌باید از هشتی وارد دالان سپس حیاط و در نهایت در موقعیت اتاق قرار گرفت. در واقع عنصر حیاط مابین اتاق و دالان عامل پیوستگی است. جدول (۵) نمایانگر جایگاه مفاصل پیوستگی با رنگ آبی به وسیله ورود باشندگان (خط قرمز) نظام فضایی سکونتگاهی ایران را ارائه می‌دهد.

جدول ۵- جایگاه جز فضاها در نظام کل خانه



 <p>هشتی اتاق حیاط دالان</p> <p>پیش ورودی</p>		<p>جایگاه هشتی</p>
 <p>هشتی دالان حیاط اتاق</p> <p>پیش ورودی</p>		<p>جایگاه دالان</p>
 <p>هشتی دالان حیاط اتاق</p> <p>پیش ورودی</p>		<p>جایگاه حیاط</p>

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی تحقیق

مطالعات بسیاری نشان داده است که در شهرهایی که فاصله ویژگی فضایی (میزان هم پیوندی) در آنها خیلی زیاد شده است، رابطه متقابل ساکنان و غریبه‌ها کم شده، به نوعی که احساس ایزوله بودن در آنها القا می‌شود. این فضاها ایزوله می‌شوند چون دسترسی به آنها دشوار می‌گردد و در نتیجه چنین تحولی، بافت‌های درونی به لحاظ کالبدی، اجتماعی و فرهنگی مضمحل می‌شوند (Abbaszadeghan, 2002). بنیان‌گذاران این نگرش فرهنگی و اجتماعی ابزار خاصی برای خواندن معماری معرفی می‌نمایند. آنها با پیوند چند دنیای علمی مانند ریاضیات، کامپیوتر، زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی نگرش و روش خود را طراحی نموده‌اند (Rokni & Ahmadi, 2017). برای ورود به این دنیاها باید واژگان خاص این نگرش را شناخت و با فهم آنها به خواندن معماری توسط آنها دست یافت. در اینجا اشاره ای به کاربرد برخی اصطلاحات خاص مانند گونه یا الگوی زیستی (جنو تایپ) و فنو تایپ یا گونه کالبدی خواهیم داشت (Balilan Asl & satarzadeh, 2015). جنو تایپ که شاید بتوان آن را الگوی زیستی نامید به قوانین انتزاعی نهفته در یک فرم فضایی گفته می‌شود. ظاهر یا جسم موجود فنو تایپ در معماری، کالبدی یک بناست که خود را در قالب یک گونه نشان می‌دهد (Soheili & Arefiyan, 2016). نظریه نحو فضا در بن مایه خویش تلاشی است در برقرار کردن یک رابطه علی، بین جامعه انسانی و کالبد معماری است. به آنچه تاکنون در نحو فضا در ارتباط با روابط اجتماعی فرهنگی بیان شده اینکه فضا به مثابه خصیصه ذاتی فعالیت انسانی نمو پیدا می‌کند و نیز اینکه فضا ظرفی در شان فعالیت انسانی است که سرچشمه آن ویژگی‌های حرکتی و بصری اوست (Bafna, 2003).

خانه عباسیان، خانه‌ای است که شبیه به هیچکدام از خانه‌هایی که تا به حال دیده‌اید نیست. وقتی به دیدن این خانه می‌روید، قبل از ورود به ساختمان، نمای ساده‌ی بیرونی متحیرتان خواهد کرد و باور نمی‌کنید که اینجا خانه‌ای تاریخی باشد اما همین که طراحی و معماری داخلی آن را می‌بینید متوجه شکوه این خانه می‌شوید. برای رفتن به داخل خانه باید از یک هشتی بگذرید که در کناره‌ی این هشتی، سکوهایی وجود دارد که می‌توانید بر روی آنها بنشینید و مدتی استراحت کنید. همانطور که در حال گذر از این هشتی هستید متوجه شیئی می‌شوید که نشان می‌دهد این خانه پایین تر از سطح خیابان قرار گرفته است؛ اینکار برای استفاده از آب قنات، استفاده از خاصیت عایق بودن خاک و دلایل دیگر بوده است.

این خانه یکی از شاهکارهای معماری ایران است که به عنوان نامزد دریافت جایزه‌ی زیباترین بنای مسکونی ایرانی - اسلامی معرفی شده است. خانه تاریخی عباسیان بین سال‌های ۱۲۴۵ تا ۱۲۴۸ هجری قمری همزمان با دوره‌ی قاجار و به درخواست حاج محمد ابراهیم تاجر کاشی، پدربزرگ آیت اله سید محمد علوی بروجردی معروف به «سید باغ»، که از تاجران معروف چینی و بلور در کاشان بود، ساخته شد. شواهد نشان می‌دهند که ساخت این بنا ۲۰ سال به طول انجامیده است. این مجموعه وسعتی بالغ بر ۵۰۰۰ متر مربع و زیربنایی در حدود ۷۰۰۰ متر مربع دارد و شامل ۵ طبقه و ۵ حیاط می‌شود.

اصول معماری خانه تاریخی عباسیان بر چند اصل مهم استوار است که شامل استفاده از سبک گودال باغچه است که در این سبک معماری، بنا پایین تر از سطح کوچه ساخته می‌شود و اصطلاحاً گود است تا خانه به آب قنات دسترسی داشته باشد و فشار آب مورد نیاز برای جریان داشتن تامین شود. اصل دیگر، قرینه سازی و فضاهای فصلی است، به این معنی که اگر خطی فرضی در وسط هر یک از اضلاع خانه رسم شود، دو قسمت ایجاد شده کاملاً قرینه‌ی هم هستند. همچنین این بنا قسمت‌های زمستانه و تابستانه دارد و تنوع فصلی در آن به وضوح دیده می‌شود. بنابراین در هر فصلی از سال، قسمت‌هایی از بنا مورد استفاده قرار می‌گرفت که مخصوص فصل و متناسب با همان آب و هوا بود. اصل مهم دیگری که در خانه عباسیان بکار گرفته شده است، معماری درونگرا و اسلامی آن می‌باشد. کاربرد معماری محجبه (نقاب دار) - مثل آنچه که در سایر بناهای دوره‌ی قاجار مشاهده می‌شود - در ساخت بنا به خوبی مشخص است. از تقسیم بنا به دو بخش اندرونی و بیرونی گرفته تا وجود اتاق‌های تو در تو و متعدد، جدایی محل سکونت آقایان و خانم‌ها در تالارها، وجود دیوار حجاب در اطراف فضای بام برای گرفتن دید همسایه به داخل بنا و... همه و همه نشان از این نوع معماری دارد. مجلل‌ترین بخش این خانه، اتاق آینه است که تزیینات بسیار زیبایی را در خود جای داده و گچ بری‌ها، آینه‌کاری‌ها، درها و پنجره‌های رنگین و دریاچه‌های گچی نازک، فضای خاصی به آن بخشیده است. در سقف این اتاق، آینه کاری‌هایی به شکل ماه، ستاره و شمسه‌ی مرکزی (نقش خورشید مانند) وجود دارد. با روشن شدن چراغی کوچک و انعکاس نور در منشورهای شیشه‌ای که به وسیله‌ی نخ‌های ابریشمی معلق شده‌اند، تصویر آسمان زیبای کویر را در سقف بازسازی می‌کنند. همچنین تامین روشنایی اتاق نیز با این انعکاس نور به راحتی صورت می‌گرفته است. اتاق آینه، همانند بسیاری بناهای دیگر، مزین به درهای آرسنی است که قسمت‌های بالایی آن‌ها دو جداره هستند. پنجره‌های مشبک گچی نیز در این درها به چشم می‌خورند و حرکت درها نیز به صورت عمودی است. زیبایی چشمگیر این اتاق باعث شده بوده تا در آن زمان، مهمانی‌های خاص و مراسم عقد و عروسی در آن برگزار شود و این اتاق به اتاق عروسی مشهور شود.

امروزه نظام فضایی شهری و سکونتگاهی ما به خوبی نشان می‌دهد اصل پیوستگی و نظام فضایی در دوران افول خود قرار گرفته است. بنظر می‌رسد نقدهای اخیر در مورد احداث شهرک‌های مسکونی در اطراف شهرها و بافت‌های فرسوده تاکید بر حلقه گمشده معماری و شهرسازی کهن ایران دارد. مطالعات و بررسی نظام فضایی خانه عباسیان که خود در چند مرحله به خوبی نظام فضایی خانه ایرانی را مورد بحث قرار داده است. تاکید بر سلسله مراتب دسترسی فضاهای عمومی و خصوصی دارد. منظور از فضاهای عمومی در مرحله اول نظام شهری و در مرحله دوم فضاهای خصوصی که همان محله و سپس خانه می‌باشد. لذا در جدول‌های ارائه شده فضاهای متداخل و جایگاه آنها مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت. اما با این اوصاف، اصل کیفیت پیوستگی خانه دستخوش تغییرات جدی شده است. اجرا و ساخت تیپ‌های واحدهای مسکونی بخصوص در مجتمع‌های مسکونی اصل پیوستگی را مورد نقد مقاله حاضر قرار می‌دهد. رعایت و ارائه الگوهای فضایی خانه‌های تاریخی ایران می‌تواند نقش بسزایی در ایجاد فرم، فضا و عملکرد محله و خانه‌ها داشته باشد. از جمله، حس تعلق به محله و ایجاد فضاهای اجتماعی در

سراها که نقش فضاها را متداخل را رقم می‌زنند یکی از اصول نظام پیوستگی محله است. از دیگر آثار نظام پیوستگی، ایجاد نظم و هویت بخشیدن به نظام فضایی داخل خانه‌های ایرانی را بیان می‌کند. ایجاد وحدت یکی دیگر از اهداف خلق و ایجاد نظام فضایی مطلوب و متناسب در مقیاس سکونتگاه است. اما معنا و برداشت مردم از خانه‌های کهن بیشتر بخش ظاهری از خانه‌ها را دارد. توقع می‌رود با مطالعات مشابه بار معنایی نظام فضایی در دستور کار دولت مردان در بخش مسکن و تمامی افرادی که مشارکت در این مهم را دارند قرار گیرد. ما معتقدیم که نظریه پیوستگی مطرح شده در این نتیجه‌گیری، مبتنی بر مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تحولات شکل‌گیری معماری دوره معاصر است. در واقع، تلاقی و ارتباط میان فرهنگ و شکل‌گیری نظام فضایی موجب زایش و شکل‌گیری پدیده پیوستگی که ساختار زیباشناسی ایرانی اسلامی را بیان و تولید می‌کند. نپرداختن به موضوع زیباشناسی و فرهنگ که مورد قبول این مسئله با مفروض قرار دادن آن می‌تواند خود موضوع پژوهش مستقل دیگری باشد.

References

- Abbaszadeghan, M. (2002). Urban design: the method of arranging space in the process of urban design with a look at the city of Yazd. *URBAN MANAGEMENT*, 9(3), 64-75.
- Aghalatifi, A. (2019). Impression of meaning of home from physical transformation in Contemporary Era of Tehran. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va ShahrSazi*, 23(4), 41-54. doi:10.22059/jfaup.2018.219937.671690
- Akrami, G., & Zare, F. (2013). Housing Design in the traditional urban texture* Case study: Design in the traditional texture of Qom. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va ShahrSazi*, 18(2), 55-68. doi:10.22059/jfaup.2013.50534
- Aliabadi, M. (2012). The state of " Reason" in the meaning of " City Stability", A different view to the theory of Islamic Architecture & Urbanism. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 1(1), 25-37.
- Asefi, M., & Imani, E. (2012). Evaluation of the Challenges of the application of new Technologies in Architecture: The Interaction with Iran's Islamic Architectural Values. *The Monthly Scientific Journal of Bagh- E Nazar*, 9(21), 21-34.
- Asl, E. G. (2018). Investigation of the spatial desirability of traditional houses based on functional efficiency components (Case study: Qajar Houses of Yazd City. *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 6(23), 107-121.
- Azeri, A. R. K., Hosseini, S. B., Sedghpour, B. S., & Hosseini, A. S. (2016). Design principles of residential space to enhance children's (3-7 years old) creativity in iran (Case study:Tehran district 4). *Bagh-e Nazar*, 13(41), 19-34.
- Bafna, S. (2003). Space syntax: A brief introduction to its logic and analytical techniques. *Environment and Behavior*, 35(1), 17-29.
- Balilan Asl, L. (2016). Analysis of the spatial structure of the city of Tabriz in the Safavid period with a comparative comparison of travelogues and visual documents. *Bagh-e Nazar*, 13(38), 45-56.
- Balilan Asl, L., & sattarzadeh, D. (2015). The Role of In-Between Space in the Spatial Organization of Urban and Architectural Elements. Case Study: Tabriz City in Ghajar Period. *Journal of Environmental Science and Technology*, 17(2), 169-181.
- Behpur, Z., Shoaie, H. R., & Nabimeybodi, M. (2019). Space Syntax the way to Perceive Arrangement the Spaces of the House in Yazd city, (Periods Qajar, Pahlavi and Islamic Republic). *Journal of Architecture Hot and dry climate*, 6(8), 47-75.
- Dorri, A., & Talischi, G. (2017). Explaining the Transparency of the Spatial Structure of Iranian Architecture in the Safavid era (Case Study: Hasht Behesht pavilion and Imam Mosque in Isfahan). *Journal of Studies On Iranian - Islamic City*, 7(27), 41-50.
- Dursun, P. (2007). *Space syntax in architectural design*. Paper presented at the 6th international space syntax symposium.

- Einifar, A., Zabihi, H., & Sasani, M. (2015). An Anthropological Study of " In-between Space" in the Traditional and Contemporary Houses in Shiraz City. *Iranian Journal of Anthropology Research*, 5(1), 7-26.
- Ghadami, M., Divsalar, A., Ranjbar, Z., & Aghamahali, T. G. (2013). Strategic Assessment of City Spatial Structure in Sustainability Framework (The Case of the City of Sari). *Journal of Urban Economics and Management*, 1(3), 1-16.
- gharaei, a., Zebardast, E., & Majedi, H. (2020). Typology of Sustainable Urban Form and Urban Structure, With a view to Tehran. *Hoviate shahr*, 14(41), 17-32.
- Ghorbani, M., & Bacvar, S. (2020). Evaluating the effect of biophilic architecture principles on the quality of housing design in the northern climate of Iran (Case study: Gorgan). *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 12(2), 405-424.
- Golestani, S., Hojat, I., & Saedvandi, M. (2018). A survey on spatial integration and the process of evolution in the Iranian mosque. *Honar - ha - ye - ziba Memari - va - shahrsazi*, 9(72), 29-44.
- Golshan, H. H. (2015). Space Syntax, a Brief Review on its Origins and Methods in Architecture and Urban Design Case Study: Brojerdiha Mansion, Kashan, IRAN. *Honar - ha - ye - ziba Memari - va - shahrsazi*, 7(62), 85-92.
- Haghir, S., & Salavati, K. (2020). Iranians' Positive Criticism on European Architecture and Its Correlation with Their Negative Criticism on Iranian Architecture and Town Planning during the Late Qajar Era. *The Monthly Scientific Journal of Bagh- E Nazar*, 17(83), 5-14. doi:10.22034/bagh.2019.188582.4146
- Hayeri, M. (2008). Critical evaluation of the book Description of intellectual currents in Iranian architecture and urban planning. *Ainie Khial*, 8(1), 68-71.
- Heidari, A., & Gasemian, I. (2017). Analysis of Spatial Structure of Traditional Iranian Homes Using Spatial Syntax Method: A Case Study: Comparison of Yazd, Kashan and Isfahan Houses. *Islamic Iranian city studies*, 7(28), 21-33.
- Heidari, A. A., Peyvastehgar, Y., & Kiaee, M. (2016). Residential Block Grading Analysis from Criminology Perspective Using Space Syntax Techniques. *Honar - ha - ye - ziba Memari - va - shahrsazi*, 8(67), 91-101.
- Imani, N., & Saboori, N. (2014). Architectural Thought in Contemporary Theories of Architecture. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 6(12), 77-.
- Karimzadeh, S., & Lashkari, H. (2020). Analysis and calculation of the most suitable building direction from a climatic perspective using the law of cosines in the city of Saqqez. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 12(3), 1-16.
- Memarian, G. H., Madahi, S. M., Aeini, S., & Abdolahi, A. (2018). Investigating the Effects of Walls on Reducing Energy Consumption in Traditional-residential Areas of Kashan, Case Study: Boroujerdi House. *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 10(21), 113-124.
- Memarian, G. H., Soltan Ahmadi, B., & Azanoosh, M. (2018). A new theory about the history of the first arch beam construction in Iranian architecture. *Iranian Journal of Architecture and Urban Planning*, 14(14), 75-.
- Mirmoghtadaee, M. (2009). Process of Housing Transformation in Iran. *Journal of Construction in developing Countries*, 14(1).
- Montello, D. R. (2007). *The contribution of space syntax to a comprehensive theory of environmental psychology*. Paper presented at the Proceedings of the 6th International Space Syntax Symposium, - Istanbul, iv-1-12. Retrieved from <http://www.spacesyntaxistanbul.itu.edu.tr/papers/invitedpapers/daniel-montello.pdf>.
- Nazarpoor, M. T., Vaghar, P. S., & Heidari, A. (2018). Development of Dormitory Physics Regarding to the Sociability by Using Space Syntax Methodology, Case Study: Hakim Sabzevari Dormitory in Sabzevar University. *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 10(21), 247-265.
- Norouzi, R. (2013). Conceptual Review of " Node" in Physical Organization of Architecture. *Journal of Architecture Hot and dry climate*, 2(3), 19-.

- Nourtaghani, A. (2017). The relationship between system of activities and configuration Kuhdasht houses with space syntax approach. *HONar - ha - ye - ziba Memari - va - shahrsazi*, 9(69), 65-74.
- Rokni, N., & Ahmadi, V. (2017). Analyze of the hidden spatial system of residential vernacular architecture of Mashhad-based on the theory of space syntax. *Journal of Greate Khorasan*, 7(26), 39-58.
- Sabri, C. R. (2012). Designing for Achievement of Sustainable Vernacular Patterns in a Cultural Context. *Environmental Sciences*, 10(1), 29-40.
- Setayeshgar, E., & Moztarzadeh, H. (2020). Explain the conceptual model of business facade formation with the aim of promoting visual comfort and aesthetics in urban spaces. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 12(3), 113-127.
- Shayesteh, H., & Steadman, P. (2013). The impacts of regulations and legislation on residential built forms in Tehran. *The Journal of Space Syntax*, 4(1), 92-107.
- Sheykhbahaiee, A. R. (2019). Study of the principle of Introversion in Iranian housing based on the space syntax method. *URBAN MANAGEMENT*, 18(54), 63-78.
- Soheili, J., & Arefiyan, E. (2016). Analysis of socio-human relations in the school mosque Qajar Qazvin spaces based on space syntax. *Human Geography Research Quarterly*, 48(97), 475-491.
- Soleimani, M., & Mondegar, K. (2017). Iranian Traditional Home Aesthetics: Recognition Aesthetics Elements Based on Grounded Theory (Case Study: Yazd). *Hoviatshahr*, 10(4), 67-78.
- Tabarsa, M., & Hoseini, M. (2019). Comparison of Spatial Structure of Historical Contexts and New Neighborhood Development Based on Space Syntax Technique (Case Study: Gorgan Historical Texture & Farhangian Neighbourhood). *Journal of Iranian Architecture and Urbanism*, 9(16), 5-16.
- Tabibian, M., Charbgoon, N., & Abdolahimehr, E. (2012). The Principle of Hierarchy Reflection in Islamic Iranian Cities. *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 4(7), 63-.
- Tavakolinia, J., & Sarafi, M. (2018). Comparative analysis of approaches related to the Iranian-Islamic city. *Iranian Islamic City Studies Quarterly*, 7(28), 5-20.